

خیزش جنوب

قیام ضد استعماری مردم بوشهر
علیه تجاوز نظامی بریتانیا

محمد امیر شیخ نوری

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان طرح‌نامه: قیام ضد استعماری مردم جنوب (بوشهر) علیه تجاوز نظامی بریتانیا

پژوهشگر: فرهنگ و مطالعات اجتماعی، گروه علمی: تاریخ و تمدن

محقق: محمد امیر شیخ نوری

ارزیابان علمی: دکتر علی بیگدلی، دکتر عبدالکریم منایخی

موضوع اصلی: قیام مردم بوشهر علیه تجاوزات و اشغال انگلیسی‌ها در خلیج فارس (به‌خصوص بوشهر)

موضوع فرعی: لشکرکشی ایران به هرات

مدت انجام تحقیق: یک سال



خیزش جنوب

قیام ضد استعماری مردم بوشهر علیه تجاوز نظامی بریتانیا

محمدمیر شیخ نوری

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مدیر: جلد سید ابیسان نوری نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۱ - شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۱۷۳-۶

چاپ و صحافی: چاپ مجاز

سرشناسه: شیخ نوری، محمدمیر، ۱۳۳۲

عنوان و نام پدیدآور: خیزش جنوب: قیام ضد استعماری مردم بوشهر علیه تجاوز نظامی بریتانیا/ محمدمیر شیخ نوری

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۸۶ ص. مصور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸-۱۷۳-۶ بهاد: ۷۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا، بادناشت: کتابخانه، یادداشت: شماره،

موضوع: جنگ هرات، ۱۲۵۲ ق. - موضوع: جنگ هرات، ۱۱۷۲-۱۲۷۳ ق.

موضوع: بوشهر (استان) - تاریخ - قرن ۱۳ ق. - جنبش‌ها و قیام‌ها.

موضوع: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۲-۱۲۲۴ ق. - جنبش‌ها و قیام‌ها.

موضوع: ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۲-۱۲۲۴ ق. - دخالت انگلستان.

موضوع: ایران - روابط خارجی - انگلستان

موضوع: انگلستان - روابط خارجی - ایران.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ و ۸۸۵/۲۰۰۲۹ DSK

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۴۲۰۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۳۳۸۰۰

تهران: تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۲۱

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۵
فصل اول: تعاریف و کلیات.....	۲۳
۱. واژه استعمار.....	۲۵
الف) اعتقاد به برتری نژادی.....	۲۷
ب) انکار واقعیت‌های جهان.....	۲۷
ج) جذبه‌های حکومت و قدرت مادی.....	۲۷
۲. واژه امپریالیسم.....	۲۹
۳. موقعیت سیاسی و استراتژیکی خاورمیانه.....	۳۳
۴. استعمار نو.....	۴۰
۵. استعمار فرانو.....	۴۰
۶. چگونگی به‌وجود آمدن جنبش‌های انقلابی.....	۴۱
الف) عدالت و بی‌عدالتی.....	۴۷
ب) اتحاد و تفرق.....	۴۷
ج) اجرا یا ترک امر به معروف و نهی از منکر.....	۴۸
د) فسق و فجور و فساد اخلاق.....	۴۸
۱. اصل هویت.....	۵۰
۲. اصل ضدیت یا مخالفت.....	۵۱

۳. اصل همگانی بودن ۵۱
- فصل دوم: واکنش‌ها و مواضع گوناگون فکری - سیاسی کشورهای اسلامی در
برای تهاجم استعمار ۵۳
۱. پیروی از تمدن غرب ۵۹
- الف) رفاعه رافع الطهطاوی (۱۲۱۶-۱۲۹۰ق/۱۸۰۱-۱۸۷۳م) ۶۵
- ب) شبلی شَمیل (۱۲۶۹-۱۳۳۵ق/۱۸۵۰-۱۹۱۷م) ۶۷
- ج) یعقوب حنّو ۶۹
۲. جریان احیاء و بازسازی تفکر دینی (خیزش اسلامی) ۷۱
- الف) سید جمال‌الدین اسدآبادی ۷۵
- ب) شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۳۳ق/۱۸۴۹-۱۹۰۵م) ۸۹
- ج) محمد رشیدرضا ۹۵
۳. جریان احساسات ناسیونالیستی ۹۷
- سید عبدالرحمن کواکبی (۱۲۶۵-۱۳۳۰ق/۱۸۴۸-۱۹۰۲م) ۹۹
۱۰۵. فصل سوم: آغاز روابط ایران با اروپا ۱۰۵
۱. زمینه‌های به وجود آمدن جنبش‌های ایرانیان در دوره قاجار ۱۱۳
۲. ویژگی‌های فکری - فرهنگی ایرانیان ۱۲۲
۳. رقابت روس و انگلیس در ایران و شبه‌قاره هند ۱۲۸
- الف) انگلیس ۱۲۸
- ب) روسیه ۱۳۸
- فصل چهارم: بحران هرات و لشکرکشی انگلستان به بوشهر ۱۴۹
۱. لشکرکشی محمدشاه قاجار به هرات ۱۶۱
۲. اشغال بوشهر، اهرم فشار انگلستان بر سر هرات ۱۷۲
- الف) موقعیت جغرافیایی و جغرافیای تاریخی بوشهر ۱۷۲
- ب) نمایندگان شرکت هند شرقی بریتانیا در بوشهر (۱۱۷۷ق/۱۷۶۳م تا
۱۳۳۱ق/۱۹۵۱م) ۱۸۶
۳. حمله انگلیس به بوشهر در سال ۱۲۵۴ق/۱۸۳۸م ۱۹۲

۲۱۰	الف) علل اشغال بوشهر.....
۲۱۲	ب) مقاومت عمومی بر ضد اشغالگران.....
۲۲۲	۴. شیخ حسن آل عصفور، پیشوای نبرد علیه اشغالگران انگلیس در بوشهر.....
۲۲۵	الف) خاندان آل عصفور.....
۲۲۶	ب) شیخ حسن آل عصفور.....
۲۳۱	ج) بُعد مبارزاتی شیخ حسن آل عصفور.....
۲۳۴	۵. باقرخان ترکستانی.....
	فصل پنجم: هرات در دوره ناصرالدین شاه و لشکرکشی دوباره انگلستان به خلیج فارس.....
۲۴۱	۱. تعهدات دولت ایران در باب هرات.....
۲۴۹	۲. حمله ایران به هرات.....
۲۵۲	کاغذ ناصرالدین شاه به صدراعظم.....
۲۵۶	۳. حمله انگلستان به خلیج فارس و اشغال دوباره بوشهر.....
۲۶۴	۴. علل قطع روابط ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۲/م ۱۲۷۲ق.....
۲۶۷	۵. لشکرکشی دوباره انگلستان به بوشهر.....
۲۷۸	الف) اشغال بوشهر توسط نیروهای انگلیس.....
۲۹۶	ب) جنگ خوشاب (یکشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۲۷۳ هجری قمری به ۱۸۵۷ میلادی).....
۳۰۵	۶. عکس العمل دولت ایران در برابر لشکرکشی انگلیس.....
۳۱۴	اعلان جهاد.....
۳۱۵	۷. نقش علماء در مبارزات ضداستعماری مردم جنوب سال ۱۲۷۳ هجری قمری.....
۳۲۷	نتیجه.....
۳۴۲	کتابنامه.....
۳۵۱	نمایه اعلام.....
۳۶۵	نمایه موضوعی.....
۳۶۹	ضمائم.....
۳۷۱	

پیشگفتار

رخداد بی نظیر انقلاب اسلامی ایران در جهان دین‌گریز و بلکه دین‌ستیز قرن بیستم، نشانه بحرانی جدی در جریان سکولاریزه‌نمودن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به‌شمار می‌رود. هر چند فوری‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود، اما روشن است که بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار، وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بود. به عبارت دیگر، «انقلاب فکری» مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی است. بنابراین بدیهی بود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز این تحول فکری رو به گسترش، بستر رشد و شکوفایی هرچه بیشتر را طلب نماید از آنجا که چالش‌های فکری و فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین آلودگی‌های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها محسوب می‌گردد. راه‌ریزی و سازمان خاصی را نیاز دارد. دهه اول پس از پیروزی به استقرار نظام و مقابله با توطئه جنگ سپری شد و فرصت اندیشه، بیشتر در عرصه عمل و تجربه انقلابی متمرکز گردید و شهدای دفاع مقدس موفق شدند فراتر از اندیشه‌ها، راه‌هایی را گشوده و پشت‌سر گذارند که غبطه عارفان و عالمان را برمی‌انگیخت. در دهه دوم با پشت‌سر گذاشتن دفاع مقدس، دوران بازسازی کشور براساس آرمان‌های انقلاب اسلامی آغاز شد و در این عرصه، رویارویی فرهنگی برجستگی خاصی یافت و امید و انتظار چالش‌گری فکری و فرهنگی از نیروهای متعهد و آگاه به هویت و افق آینده ملت ایران در پرتو اسلام، بستر ساز فعالیت‌هایی سازماندهی

شده در قالب مؤسسات پژوهشی گردید.

«پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» که نهادی علمی و غیرانتفاعی می‌باشد، مولود چنین بستری است که از زمان تأسیس (دهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۳) می‌کوشد با ترویج و تبیین مبانی فکری و اعتقادی انقلاب اسلامی به‌گونه‌ای مؤثر، چالش‌های فکری و فرهنگی در برابر انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن را همچون فرصتی مغتنم مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد.

این پژوهشگاه در قالب پنج پژوهشکده «حکمت اسلامی»، «دین‌پژوهی»، «نظام‌های اسلامی»، «فرهنگ و مطالعات اجتماعی» و «دانشنامه‌نگاری دینی» فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه «فرهنگ‌پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و «ادبیات اندیشه» است، برای ساماندهی تأملات و کاوش‌ها در خصوص تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی و بومی را درباره مسائل و مشکلات حوزه‌های یادشده فراهم سازد.

۱. شناخت و بازپیرایی موارث مکتوب علمی اسلامی در حوزه تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر ایران و اسلام؛

۲. تحقیق در زمینه تحولات، مبانی و مسائل تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی؛

۳. تحلیل و بازکاوی کاستی‌های دیرین، آسیب‌شناسی وضعیت کنونی و بررسی چشم‌انداز و چالش‌های آتی فرهنگ و تمدن اسلامی و ارائه راهکارهای شایسته برای احیاء و ارتقای فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی و تعمیق پیوند نسل امروز با آن؛

۴. بررسی و تبیین نظری پیشینه، مبانی، اهداف و فرایند تحقق انقلاب اسلامی و مطالعه و بازشناسی مسائل و موانع انقلاب و راه‌های تحکیم اصول و توسعه آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی آن و مصون‌سازی طبقات اجتماعی در قبال تازش فکری - فرهنگی بیگانگان؛

۵. بازشناسی ماهیت و مؤلفه‌های فکر و فرهنگ غربی و نقد و ارزیابی علمی

دستاوردهای تمدن جدید، بررسی راه‌های توسعه اندیشه اسلامی و راه‌های دستیابی به عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن دیگر ملل؛

۶. نقد آثار منتشره و آراء مطرح شده در حوزه‌های مطالعاتی پژوهشکده.

تحقیق حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند آقای دکتر محمدامیر شیخ نوری در گروه تاریخ و تمدن پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع قیام ضداستعماری مردم بوشهر علیه تجاوز نظامی بریتانیا در فاصله سال‌های ۱۲۵۴ الی ۱۲۷۲ هجری قمری می‌پردازد.

بوشهر در دوره قاجار معتبرترین بندر تجاری ایران بود؛ به‌طوری که بیشتر دولت‌های بزرگ اروپا در این شهر نمایندگی تجاری و سیاسی داشتند. علاوه بر آن، این بندر به‌منزله دروازه جنوبی ایران برای تبادل افکار سیاسی و مناسبات فرهنگی نیز بود. از دید کارگزاران بریتانیا، بوشهر مناسب‌ترین بندر در خلیج فارس برای تجارت به‌شمار می‌رفت که مقارن آن ایام، مملو از تجار داخلی بود که با آزادی کامل به خرید و فروش و صدور کالاها اشتغال داشتند. از این رو، نمایندگی بوشهر به‌عنوان زیرمجموعه شرکت هند شرقی، محافظت از کشتی‌ها و محموله‌های تجاری بازرگانان تحت پوشش شرکت هند شرقی در حوزه خلیج فارس را بر عهده گرفت.

هدف از این تحقیق، بیان چگونگی لشکرکشی انگلستان به افغانستان و خلیج فارس است که به اشغال بوشهر و در نهایت، تفکیک افغانستان از ایران منجر شد که طبق عهدنامه پاریس به‌کلی از ایران جدا گردید و به‌کشوری مستقل ساخته و پرداخته انگلستان تبدیل شد.

در نیمه اول دوره قاجار مسئله افغانستان و مداخلات انگلیس در خلیج فارس موضوعاتی مرتبط با هم و پیچیده شده بود. به همین دلیل، مسئله افغانستان و خلیج فارس بارها در دوره قاجار موجب برخورد ایران و انگلیس شد که در هر نوبت، مردم جنوب (بوشهر و توابع آن) با ایثار جان و فداکاری برای دفاع از استقلال میهن تلاش کردند.

قیام ضداستعماری مردم بوشهر، دشتی، دشتستان و تنگستان در قرن نوزدهم

و بیستم میلادی، نقطه عطفی در مبارزات مردم ایران علیه متجاوزان مستکبر و ستمگران استثمارگر محسوب می‌شود که تاکنون تلاشی همه‌جانبه برای شناخت و معرفی آن صورت نگرفته است. در دوره قاجار، مردم استان بوشهر، چهار بار با تهاجمات انگلستان به مرزهای جنوبی ایران مقابله کردند که این مقاومت‌ها در تاریخ محاصر ایران بی‌نظیر است.

در دوره اول (۱۸۳۷ میلادی/ ۱۲۵۳ هجری قمری) و دوم (۱۸۵۶ میلادی/ ۱۲۷۳ هجری قمری) جنگ‌های مردم بوشهر با انگلیس که به دنبال مسئله هرات و اختلاف دولتهای ایران و انگلیس در زمان محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار به وقوع پیوست، مردم بوشهر در شرایطی به حفظ عزت و شرف ملی و مذهبی خود کمر همت بستند که دولت ضعیف و زبون قاجار هر روز گوشه‌ای از ایران را از دست می‌داد و به بیگانگان امتیاز تازه‌ای واگذار می‌کرد.

در این راستا، هدایت و رهبری روحانیت آگاه در بسیج توده‌های مردم و ترغیب آنان به ایستادگی و فداکاری در مقابل بیگانگان نقش اساسی دارد؛ هرچند که این مهم در زاویه اختفاء مانده، تا آنجا که بسیاری از مردم ایران تصویری گویا و اطلاعاتی دقیق از کم و کیف این مبارزات ضداستعماری در جنوب ایران ندارند.

قدر مسلم، بیان ایثار و ایستادگی مردم جنوب برای حفظ آزادی و استقلال و دفاع از دین و میهن، نقش الگویی سازنده در آشنا کردن نسل حقیقت‌جوی ایران با اصل دفاع از دین و میهن و هویت ملی از سویی و انزایش ایمان مذهبی و آگاهی از ارزش‌های اسلامی در تحولات سرنوشت‌ساز اجتماعی و مبارزه با ظلم و تجاوز از دیگر سو دارد.

همین ضرورت‌ها موجب شد تا پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل روایاتی گوناگون قیام‌های ضداجنبی مردم بوشهر پرداخته و گوشه‌های تاریک و مبهم قیام خونبار مردم آن سامان را روشن و آشکار سازد.

روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی است، اما تاریخی به مفهوم سنتی، یعنی وقایع نگاری نیست؛ بلکه این وقایع و اتفاقات با روش تحلیلی بررسی شده‌اند.

فرضیه‌ها در تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. شیخ حسن آل‌عصفور، از روحانیون پیشرو جنوب ایران، با فتوای جهاد علیه انگلیسی‌ها از تجاوزات آنها به کشور جلوگیری نمود.
 ۲. همکاری مؤثر روحانیت پیشرو ایران با مبارزان جنوب در دوره اول و دوم جنگ‌های انگلیس با ایران در دوره قاجار، از اهداف توسعه‌طلبانه انگلستان در ایران جلوگیری نمود.
 ۳. ضعیف‌ترین زبانی دولت‌مردان ایران در عصر قاجار (محمدشاه و ناصرالدین شاه) عامل اصلی جدایی بخش‌های مهمی از خاک ایران و در نتیجه، قیام دلیرمردان جنوب علیه انگلیس متجاوز گردید.
- بر خود لازم می‌دانیم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق ارجمند، جناب آقای دکتر محمدامیر شیخ‌نوری تشکر و تقدیر نماییم.
- همچنین از شورای علمی گروه تاریخ و تمدن، به‌ویژه ارزیابان این تحقیق، آقایان دکتر علی بیگدلی و دکتر عبدالکریم مشایخی، که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند و همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که عهده‌دار آماده‌سازی، انتشار و توزیع این اثر است کمال سپاس و امتنان را داریم.
- در پایان، امیدواریم نظرها و دیدگاه‌های صاحب‌نواندگان عزیز و علاقه‌مندان حوزه منطق فهم دین، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و تولید آثار گران‌سنگ دیگر یاری رسانند.

گروه تاریخ و تمدن

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

مقدمه

دولت انگلستان در نتیجه اکتشافات و استعمار و موفقیت در مقابل رقیبان، اسپانیا را در قرن شانزده و هجده و فرانسه را نیز در قرن هیجدهم از عرصه رقابت بیرون راند و با تکیه بر قدرت نیروی دریایی و مستعمراتی، تفوق و برتری استعماری خود را از اواخر قرن هفدهم به جهان تحمیل کرد.

در چنین شرایط جدیدی، حکومت بریتانیا در اندیشه حفظ بازار وسیع تجاری خود، از طریق ایجاد امپراتوری استعماری افتاد. دیزرائیلی، در ۱۸۷۷ میلادی، ملکه ویکتوریا را امپراتریس هندوستان اعلام کرد و به این طریق، امپریالیسم، عنوان خود را اعلام نمود. در آخر قرن نوزدهم، چمبرلین به این امپریالیسم استعماری صورت عارفانه‌ای بخشید. او اعلام کرد: «من ایمان دارم به این نژاد، به این عظیم‌ترین نژاد رهبری‌کننده که جهان هیچ‌گاه نظیر آن را ندیده است» و این یک بیماری روحی بود؛ بیماری روحی تسلط و برتری نژادی. به دنبال این بیماری، تسخیرها و اشغال‌ها سر رسیدند. کانادا و استرالیا به سمت غرب توسعه یافتند. در پیرامون هندوستان، بیرمانی و مالزی را چنگ زدند و ضمیمه نمودند و سایر کشورهای اطراف و سر راه آن را به زیر یوغ استعمار درآوردند.

امپراتوری هند گوهر مستعمرات و ستون مرکزی امپراتوری بریتانیا بود که تقریباً تمام کف جهان، نیمی از جای جهان، بادم‌زمینی و پنبه تولید می‌کرد.^۱

تاریخ فتح هندوستان به وسیله انگلستان نمونه جالبی از چگونگی غارت و دگرگونی جامعه را عرضه می‌کند. هندوستان در قرن هیجدهم، در زمانی که کمپانی هند شرقی این کشور را تصرف کرد، دارای بخش بازار بسیار وسیعی بود. هندوستان در قرن ۱۸ میلادی، چه از نظر کالاهای ساخته شده و چه از نظر کشاورزی، کشور بزرگی به حساب می‌آمد و محصولات آن بازارهای آسیا و اروپا را تغذیه می‌کرد. هدف اصلی حاکمیت استعماری بر هند در واقع تصرف بازار داخلی آن برای کالاهای صنعتی انگلستان بود.

ویل دورانت در کتاب *اختناق هندوستان* می‌نویسد:

دولت انگلیس به جای گسترش فرهنگ، مشروب‌خواری و میگساری را در میان مردم و صنعت با اولین پست تجارتهی که به وسیله بریتانیا تأسیس گردید، سالن‌های متعددی برای فروش مشروب باز شد و کمپانی هند شرقی از این راه منافع بی‌شماری تحصیل نمود. در ابتدای تصرف هندوستان، قسمت اعظم درآمد دولت از همین سالن‌ها تأمین می‌گردید.^۱

ویل دورانت اضافه می‌کند:

من جمعیت کثیری را دیده‌ام که در مقابل چشم از شدت گرسنگی جان می‌دادند. به من ثابت شده است که این قحط و غلا، برخلاف آنچه بعضی‌ها مدعی‌اند، به هیچ وجه نتیجه ازدیاد جمعیت یا رواج نادانی و تعصب نیست، بلکه تمام این تیره‌بختی‌ها معلول این است که دسترنج ملتی به طرز فجیعی که در تمام تاریخ بی سابقه و بی نظیر بوده است، از سوی ملت ستمگر دیگری به غارت می‌رود. من می‌خواهم نشان دهم که چگونه انگلیس سال به سال خون هندوستان را مکیده و آن را به پرتگاه مرگ و نیستی نزدیک کرده است.^۲

جواهر لعل نهرو می‌گوید:

ما در زیر تسلط یک دستگاه و یک ماشین عظیم زندگی کرده‌ایم که میلیون‌ها نفوس هند را استثمار می‌کرده و نابود می‌ساخته است. این ماشین مهیب، ماشین امپریالیسم و استثمار است که خود محصول و نتیجه‌ای از

۱. ویل دورانت: *اختناق هندوستان*؛ ترجمه نامور؛ ص ۲۱۷.

۲. همان، ص ۲۱.

کاپیتالیسم و سرمایه‌داری صنعتی است. سود و استفاده حاصل از این استثمار به‌طور عمده به انگلستان می‌رفت.^۱

جواهر لعل نهرو ادامه می‌دهد:

فهم این موضوع که انگلیسی‌ها چرا در هند چنین رفتار کردند، دشوار نیست. اساس و بنیان سرمایه‌داری بر مابقیه‌ای در آدم‌کشی و استثمار متکی است. بدین قرار انگلیسی‌ها که قدرت بیشتری داشتند. رقیبان خودشان را می‌کشتند و از پیدا شدن و رشد رقیبان دیگر هم جلوگیری می‌کردند. آنها نمی‌توانستند با توده‌های مردم دوست شوند؛ زیرا هدف و علت اصلی حضور آنها در هند، استثمار همین توده‌ها بود.^۲

دولت‌های قدرتمند دیگر آن زمان یعنی فرانسه و روسیه هم به هندوستان چشم داشتند و سیاست انگلستان در سراسر قرن نوزدهم حفظ هندوستان از حمله افغانستان، ایران و روسیه و فرانسه بود. نفوذ دولت روس که با ایران همسایه بود، موجب وحشت انگلستان شده بود؛ به همین دلیل در سراسر دوره قاجاریه، این دو کشور عظیم و دوامپراتوری نیرومند ایران را میدان اعمال نفوذ خود قرار داده بودند.

به تدریج که سپاهیان روس به آسانی بر طوایف قزاق و ازبک و ترکمن پیروز می‌شدند، فاصله روس‌ها از انگلیسی‌ها که آهسته به سوی بلوچستان و افغانستان نفوذ می‌یافتند، کمتر می‌شد و خطر کشمکش و زد و خورد، صلحی متزلزل را که میان این دو قدرت عظیم منعقد شده بود، تهدید می‌کرد.

«نتیجه جنگ‌های ایران و روس، از دست دادن مناطق قفقاز به نفع روسیه بود. طی سه دهه نخست قرن نوزده (۱۸۰۰-۱۸۳۰ میلادی) روسیه به هدف‌های ارضی خود در قفقاز شرقی دست یافت.»^۳

در درگیری‌های بعدی و توسعه متصرفات روسیه، پیمان آخال در ۹ سپتامبر ۱۸۸۱ میلادی میان ایران و روسیه به امضاء رسید.^۴ به موجب این قرارداد ایران

۱. جواهر لعل نهرو: *نگاهی به تاریخ جهان*؛ ترجمه محمود نفیسی؛ ج ۲، ص ۸۱۸

۲. همان، ص ۸۳۰

۳. اتکین موزیل: *روابط ایران و روسیه (۱۸۲۸-۱۷۸۰)*؛ ترجمه محسن خداده؛ ص ۱۰۲

۴. سیدجلال‌الدین مدنی: *تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران*؛ ج ۱، ص ۴۰۰

از کلیه دعاوی خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر صرف نظر کرد و رود اترک به عنوان مرز میان دو کشور شناخته شد. در مقابل، دولت روسیه متعهد شد از تجاوز فیما بین ترکمن به خاک ایران جلوگیری و امنیت مرزهای شمالی کشور را تأمین نماید.

پس از قرارداد ترکمن چای، پیمان آخال ضربه مهلک دیگری به تمامیت ارضی ایران به شمار می رفت، زیرا به موجب آن، خانات ترکستان و ماوراءالنهری که از زمان صفویه کم و بیش تابع پادشاهان ایران بودند، برای همیشه از قلمروی ایران منتزع گردید و سرحدات شمالی ایران تقریباً به حدود فعلی محدود شد.^۱

با جدا شدن آسیای مرکزی از ایران، میان روسیه و هندوستان که مستعمره انگلیس بود، افغانستان قرار داشت و روسیه می توانست به راحتی از طریق افغانستان به هندوستان حمله کند. بر مبنای این اهمیت بود که افغانستان کلید هندوستان محسوب می شد به همین دلیل، افغانستان برای انگلستان از اهمیت زیادی برخوردار بود و انگلیس به فکر این می افتد که افغانستان را از ایران جدا کند و دولتی مستقل تشکیل بدهد و دولت پوشالی دیگری که هیچ مبنای تاریخی و حقوقی ندارد و جزء خاک ایران است، به وجود بیاورد.

با توجه به اهمیت افغانستان برای دفاع از هند است که پالمرستون، نخست وزیر وقت انگلستان، می گوید:

اقدام درستی که باید به عمل آید، عملیات همه جانبه نظامی در افغانستان است و این کشور را باید طوری دوباره سازماندهی کنیم که حاکمیت آن به دست یک حکمران افتد و به تلافی فرمانروایی پیشاور و کشمیر هم به رنجیبت داده شود. افغانستان برای حکومت انگلیسی هند، سد و حائلی پست دیده تر از ایران است، زیرا افغانستان بیشتر می تواند به کنترل ما درآید. بهر این ما باید بر افغانستان آن گونه سلطه جغرافیایی داشته باشیم که روس ها بر ایران دارند.^۲

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی: تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان

جنگ جهانی دوم: ص ۲۸۶-۲۸۷.

۲. کلی. جی. بی و داد گرنی: جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۶ میلادی؛ ترجمه حسن

زنگنه: ص ۱۸.

در زمان محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار، دویار بوشهر به اشغال نیروهای انگلیس در می‌آید. در این دو دوره وقتی نیروهای ایرانی برای اعاده حاکمیت خود در افغانستان به هرات اعزام شدند، نیروهای انگلیسی برای اینکه ایرانی‌ها را به عقب‌نشینی از افغانستان وادار کنند، با اعزام نیرو به خلیج فارس، بوشهر را اشغال می‌نمایند که با مقاومت سرسختانه مردم منطقه روبه‌رو می‌شود. وقتی نیروهای ایرانی به هرات اعزام شدند، انگلیسی‌ها متقاعد شدند که تنها با تهدید جدید و تدابیر نظامی - به‌وسیله دولت انگلستان - شاه را می‌توان وادار ساخت تا از محاصره هرات، دست کشد. این تصمیم مورد تأیید اکثریت کابینه انگلستان بود. آنها می‌گفتند:

موظف هستیم که نقطه‌نظرمان را درباره اعزام نیرو به خلیج فارس به اطلاع او (اکلند) فرماندار نظامی هندوستان) برسانیم. این عملیات احتمالاً منحصر به اشغال جزیره خارک و محدود به این نیروی ناچیز - که این لشکرکشی را تشکیل می‌دهد - نیست؛ چه اکنون آگاهیم که مک‌نیل درخواست اعزام ۵۰۰۰ سرباز کرده و به کاپیتان هتل هم دستور داده که بر بوشهر تسلط یابد. اگر این نیروی شایان توجه به نحوی درخور پا به خاک ایران نهد و پرچم انگلستان را در آن دیار به اهتزاز درآورد، شاه مجبور خواهد شد به خواسته‌های انگلستان گردن نهد که در غیر این صورت، سربازان انگلیسی وارد عمل خواهند شد. بی‌هیچ گفت‌وگو، گذاشتن تحرک و عقب‌نشینی موجب می‌شود که برای همیشه نه تنها در برابر همسایگان شرقی که در برابر ملت‌های اروپایی هم احساس سرافکنندگی کنیم، نابراین باید بتوانیم قاطعانه تصمیم بگیریم و هجوم احتمالی به ایران را اعلام کنیم.^۱

در ضمن، هوپ هوس، همکار نزدیک پالمرستون، می‌گوید:

دیری نخواهد پایید که مجبور شوید پادشاه ایران را با ربای کاملاً متفاوت با آنچه تاکنون با او سخن گفته‌اید، تکلم کنید و در صورتی که نمایش قدرت واقعی صورت گیرد، شاه درخواست یافت که اگر او راه ورود به هند را می‌داند، ما هم می‌توانیم راهی به او نشان دهیم که از بوشهر آشنای و به اصفهان ختم می‌گردد.^۲

۱. همان، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۱۲.

به هر حال، خارک و بوشهر از سوی نیروی انگلیسی اشغال می‌شود و سپس خرمشهر نیز به تصرف انگلیسی‌ها در می‌آید. این درگیری‌ها با انعقاد معاهده صلح پاریس در ۱۸۵۷ میلادی/۱۲۷۳ هجری به پایان می‌رسد و مطابق این معاهده، افغانستان مستقل گردیده و هرات نیز از ایران جدا می‌شود.

«عهدنامه پاریس ضربه شدید دیگری بود که بر پیکر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد آمد و به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بر اثر عقد آن معاهده، که از حیث حق‌کشی و تناسب نداشتن با شئون یک کشور مستقل آزاد کمتر از معاهده ترکمن‌چای نبود و محدودیت ارضی ایران به کمال خود رسید. انگلستان با این معاهده، منظور سیاسی خود را در انتزاع افغانستان از ایران و بستن دروازه هند به روی دولت روسیه پیش برده و از آن پس نفوذ دریایی انگلیس بلامانع در سراسر خلیج فارس و دریای عمان برقرار گردید و دروازه تجارت خارجی ایران در خلیج فارس، که تنها دریای آزاد ایران و یگانه راه ارتباط تجارتی این کشور با سایر نقاط جهان است، به دست انگلستان افتاد.»^۱

به این ترتیب، مسئله افغانستان و مداخلات انگلیس در خلیج فارس در دوره قاجار موضوعاتی مرتبط با هم و پیچیده شده بود به شکلی که انگلستان به ظاهر اعلام می‌کرد که مداخله در افغانستان را برای مقابله با روس‌ها انجام می‌دهد، در حالی که از مسئله هرات و لشکرکشی به خلیج فارس، اهداف تجاری و سیاسی نیز داشت. به همین دلیل، مسئله افغانستان و خلیج فارس چند نوبت در دوره قاجار موجب برخورد ایران و انگلیس شد که در هر نوبت، مردم جنوب (بوشهر و توابع آن) با ایثار جان و فداکاری برای دفاع از استقلال میهن تلاش کردند.^۲

درباره اهمیت بوشهر هم باید گفت که در دوره قاجار، بندر بوشهر دروازه جنوبی ایران برای تبادل افکار سیاسی و مناسبات فرهنگی بود، به‌طوری که بیشتر دولت‌های بزرگ دنیا در این شهر دفتر نمایندگی داشتند و تجار بزرگ نیز در

۱. علی‌اصغر شمیم: *ایران در دوره سلطنت قاجار*؛ ص ۲۳۶.

۲. عبدالکریم مشایخی: *خلیج فارس و بوشهر*؛ روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در

سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۳۹ هجری قمری/۱۸۹۰-۱۹۲۰ میلادی؛ ص ۸۳

این شهر فعالیت‌های تجاری انجام می‌دادند.

بوشهر از زمان کریم‌خان زند با امضاء قراردادی در ۲ ژوئیه ۱۷۶۳ با انگلستان، به صورت یک پایگاه بسیار مهم و قابل توجه در خلیج فارس درآمد. انتخاب بوشهر به عنوان نمایندگی شرکت هند شرقی بریتانیا در متصرفات ایران و حوزه خلیج فارس نتایج چندگانه‌ای را به دنبال داشت و مفاد این قرارداد از دید شرکت هند شرقی بریتانیا، به سود آنان بود و تمامی انتظاراتی را که شرکت از برپایی یک نمایندگی در ایران داشت، برآورده می‌کرد.

آزادی انتخاب مراکز بازرگانی در سراسر ایران، پرداخت نکردن عوارض گمرکی یا پرداخت ۲ درصد، بازپرداخت قروض بازرگانان بریتانیایی و انحصاری شدن ورود کالاهای یشمی از سوی بریتانیا و معافیت دلالتان و افراد مرتبط با شرکت از پرداخت مالیات به اضافه دیگر امتیازات اجتماعی و مذهبی که به آنان اعطاء شد، به نوعی خاطره دوران تجارت پررونق صفوی را در اذهان کارگزاران شرکت زنده می‌کرد. مصاف بر آنکه در این زمان شرکت هند شرقی بریتانیا می‌توانست به دور از صحنه رقابت‌های دیرین و با آسودگی خاطر از فقدان حضور مستمر و مؤثر پرتغالی‌ها، هلندیان یا فرانسویان در حوزه خلیج فارس به فعالیت خود ادامه دهد و در ضمن از پشتیبانی دولت مرکزی ایران و حمایت عثمانی در بین‌النهرین نیز برخوردار شود.^۱

از دید کارگزاران بریتانیایی، بوشهر مناسب‌ترین بندر در خلیج فارس برای تجارت به شمار می‌رفت که مقارن آن ایام مملو از تجار داخلی بود که با آزادی کامل به خرید و فروش و صدور کالاها اشتغال داشتند.^۲ از این رو، نمایندگی بوشهر به عنوان زیرمجموعه شرکت هند شرقی محافظت از کشتی‌ها و محموله‌های تجاری بازرگانان تحت پوشش شرکت هند شرقی در حوزه خلیج فارس را بر عهده گرفت.

۱. صفورا برومند؛ سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر؛ ص ۴۹.

۲. همان، ص ۴۰.

روش تحقیق در این پژوهش تاریخی است، اما تاریخ به مفهوم سنتی، یعنی وقایع‌نگاری نیست؛ بلکه این وقایع و اتفاقات با روش تحلیلی بررسی شده‌اند. اولین اقدام در پژوهش تاریخی، آشنایی با منابع تحقیق و بررسی امکان دستیابی به آن مدارک است. چگونگی طبقه‌بندی این منابع و مآخذ و چگونگی استفاده صحیح از آنها در مرتبه بعدی قرار می‌گیرد. هرچه موضوع تحقیق به دوران معاصر نزدیک‌تر باشد، از یک طرف تنوع و تکثر این مدارک و مستندات تاریخی افزایش می‌یابد و از جهت دیگر، دسترسی به تمام این منابع نیز مشکل‌تر می‌شود. با وجود این، از لایه‌لای منابعی که در دسترس است، با کاربرد اصول صحیح تحقیق می‌توان موضوعات تاریخی را نقد و بررسی کرد.

هدف تحقیق هم چگونگی اشکراکشی انگلستان به افغانستان و خلیج فارس است که به اشغال بوشهر و در نهایت جدا شدن افغانستان از ایران منجر شد، که طبق عهدنامه پاریس به کلی از ایران جدا و به کشوری مستقل ساخته و پرداخته انگلستان تبدیل شد.

در این تحقیق، از منابع بی‌شماری استفاده شده است. حدود ۱۶۵ کتاب فارسی، پانزده مقاله و هشت کتاب لاتین و همچنین اسناد زیادی که تعدادی از آنها ضمیمه تحقیق شده است.

دکتر محمدامیر شیخ‌نوری

اسناد گروه تاریخ

دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)